

تأثیر ویژگیهای محلی فرهنگ سیاسی بر رقابت های انتخاباتی در ایران

(مطالعه موردی، شهرستان ممسنی)

محسن گرجی زاده^۱ - مجید گل پرور^۲

چکیده

ایران سرزمینی متشکل از اقوام، گروه‌ها، فرهنگها و جریان های گوناگون و حادثه ساز تاریخ می باشد. هر کدام از این اقوام و طوایف دارای ویژگیهای خاص فرهنگ سیاسی خود بوده که بویژه در انتخابات محلی بسیار تاثیرگذار است. طایفه گرایی مهمترین ویژگی فرهنگ سیاسی در منطقه ممسنی واقع در استان فارس بوده، بگونه‌ای که در دو دهه اخیر در حوزه‌ی انتخاباتی این منطقه تاثیر بسزایی در نتایج انتخابات مجلس شورای اسلامی بر جای گذاشته است. یافته های پژوهش حاضر حاکی از آن است که طایفه گرایی هرچند در زمان نماینده های ادوار مختلف متفاوت بوده است اما در انتخابات دو دهه ی اخیر بدلیل نقش برجسته نمایندگان مجلس در انتصابات

1. کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت و دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا
gorjizah@yahoo.com

2. استادیار و عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت majid_golparvar@yahoo.com

دولتی محلی از افراد هم طایفه ای خود، شاهد تشدید این تمایلات در بین طوایف گوناگون ممسنی هستیم. گسترش روز افزون تمایلات طایفه گرایانه می‌تواند با افزایش پتانسیل منازعه مشکلات بسیاری را برای این منطقه بدنبال داشته باشد.

کلید واژه ها: انتخابات مجلس شورای اسلامی، منطقه ممسنی، طایفه گرایی، ساختار طایفه‌ای ممسنی، پست های مدیریتی طایفه‌ای

مقدمه

در ایران بخش عمده ای از زندگی اجتماعی در قالب سازمان های خویشاوندی ایلی و عشیره ای وجود داشته است. سازمان اجتماعی ایلی و عشیره موجب تداوم احساس هویت ایلی و تعلق به عشیره شده و این خود از پیدایش هویت گسترده در سطح «ملی» جلوگیری می‌کند. ایران همواره در جایگاه جغرافیای ویژه ای قرار داشته که چهارراه حوادث نام گرفته است.

در این مقاله با توجه به داده های میدانی که از منطقه ممسنی با استفاده از طیف بوگاردوس و با شاخص های: 1- نقش تمایلات طایفه ای و خویشاوندی در انتساب پست های کلیدی 2- تأثیر تمایلات طایفه ای در مبارزات انتخاباتی 3- ارزیابی تاثیرات طایفه ای- قبیله ای 4- تاثیر تمایلات قومی و طایفه‌ای در توسعه سیاسی، گردآوری شده است، به منظور نشان دادن تاثیر ویژگیهای محلی فرهنگ سیاسی بر انتخابات تجزیه و تحلیل داده ها صورت گرفته است.

روش تحقیق

در بین جامعه آماری مورد نظر (معلم، کارمندان، اساتید، دانشجویان و کشاورزان) و طبق نمونه به دست آمده بر اساس جدول مورگان ($n=372$)، جمعا تعداد 370 پرسشنامه (بر مبنای طیف بوگاردوس) توزیع گردید که در نهایت تعداد 306 مورد از آن جمع آوری و مورد تجزیه و

تحلیل قرار گرفت. لازم به ذکر است که هر یک از سؤالات طیف بوگاردوس دارای 7 گزینه بوده و گزینه ها دارای ترتیب هستند که تمایل کامل (پذیرش) در گزینه اول و عدم تمایل (انزجار) در گزینه آخر (هفتم) مورد نظر بوده است. پرسشنامه مذکور بر اساس «آزمون کروس کالوالیس» (آزمون ناپارامتری در سطح معناداری 0.05) با استفاده از نرم افزار SPSS آنالیز گردید.

1- قومیت و قوم گرایی در ایران: برای گروه قومی (ethnic group) در دایره المعارف ناسیونالیسم دو تعریف وجود دارد: نخست یک گروه که غالباً ریشه های مشترک تاریخی خود را درک می کند. (مائیل، 56:1384) آبراهامیان می نویسد: «در اواخر قرن نوزدهم جمعیت ایران در فلات مرکزی عمدتاً فارس زبان و آمیخته ای از چادرنشینان غیر فارس زبان، یعنی قشقایی ها، لره های بختیاری، افشارها، عرب ها و لره های ممسنی بود» (آبراهامیان، 15:1387).

2- ایلات و عشایر در فلات ایران: وجود مراتع و چراگاه های وسیع، شرایط بسیار مناسبی را برای دامداری و زندگی قبیله ای و عشایری فراهم آورده بود؛ چرا که زندگی عشایری عبارت است از: «نگهداری، پرورش و تکثیر دام ها از طریق هدایت آنها به مراتع و کوچ دادن آنها در زمستان به جلگه ها و تابستان به دامنه کوه ها» (ارغندی، 120:1378). رضاشاه با اتخاذ و اجرای این سیاست ها قدرت را از ایلات گرفت و از شناسایی هرگونه حقوق اجتماعی و سیاسی آنان سرباز زد، به نحوی که جمعیت عشایری که نسبت به کل جمعیت در اوایل قرن بیستم 25 درصد از کل جمعیت کشور را تشکیل می داد، در سال 1355 به 14 درصد کاهش یافت (همان، 123).

3- موقعیت طبیعی و جغرافیایی ایران و ممسنی: دور از ذهن نیست اگر بگوییم ایران، تجربه ی تاریخی منحصر بفردی داشته است. سرزمینهای دیگر کم و بیش در یک گروه تمدنی مشترک جای می گیرند: (کشورهای آمریکای جنوبی، مرکزی و افریقای شمالی، کشورهای عربی خاورمیانه، اروپای غربی، اروپای شرقی و...) هریک با تفاوتهای جزئی وجوه مشترکی با همدیگر دارند، اما ایران را یک واحد تمدنی منفرد می یابیم، چرا چنین است؟ (اسلامی

ندوشن، 1376؛ 24) «یرواند آبراهامیان» نیز بر این باور است که: «ویژگی های طبیعی ایران، زمینه و علت این تنوع اجتماعی بوده است.» (آبراهامیان، 1377؛ 15)

4- مبارزات انتخاباتی: مبارزات انتخاباتی، اصطلاحی است برای توصیف فعالیت های ترغیبی که در دوره‌ی پیش از رای گیری انجام می شوند. مبارزه کردن از بدو دموکراسی وجود داشته است اما استفاده از اصطلاح مبارزات انتخاباتی تا پیش از دهه ی 1780 رایج نبوده است. در حوزه انتخاباتی ممسنی در دو دهه اخیر (دهه ی 70 و 80)، چند هفته قبل از انتخابات مجلس شورای اسلامی، فعالیت مبارزاتی به اوج خود رسیده است. در این کارزار لیدرهای هرنامزد و افراد سرشناس هم طایفه ای هرنامزد به صورت شبانه روزی با تماسهای حضوری و تلفنی بر حمایت قاطع از نامزد مورد نظر تاکید دارند. با توجه به اینکه احزاب سیاسی به صورت رسمی سازماندهی شده در این منطقه وجود ندارد، به نظر می رسد وظیفه این مهم را نزدیکان، خویشاوندان و افراد ذی نفوذ هم طایفه ای هر نامزد بعهده گرفته‌اند.

5- حمایت از نامزد هم طایفه ای در انتخابات مجلس: با توجه به ساختار طایفه ای ممسنی که حتی تقسیم بندی کشوری آن نیز بر مبنای تقسیمات طایفه ای می باشد و اختلافاتی که از قدیم تاکنون بر سر منابع آب و خاک و دستیابی به قدرت در این ایل بزرگ وجود داشته است، حساسیت ها را بین طوایف این منطقه تشدید نموده است. بررسی انتخابات چند دوره‌ی گذشته منطقه ممسنی- رستم بویژه منطقه جدید رستم (رستم بزرگترین ایل ممسنی) نتایج زیر را نشان می دهد:

با مطالعه انتخابات مجلس شورای اسلامی منطقه (ایل) رستم، از سال 1374 (دوره پنجم) تاکنون، می توان دریافت که به غیر از دوره هشتم (سال 1386)، در تمامی ادوار گذشته از تاریخ فوق، نامزدهایی که هم طایفه‌ای مردم این منطقه بوده‌اند از سایر نامزدها رای بیشتری کسب نموده اند. البته از بین تمامی ادوار گذشته تاکنون، فقط در 2 مرحله، نمایندگان مردم ممسنی در مجلس شورای اسلامی، از اهالی ایل رستم بوده اند، آقای سپهدار گرجی زاده نایب رییس اسبق شورای اسلامی بخش رستم دلیل این که آرای منطقه‌ی رستم از سایر مناطق بیشتر است ولی قبولی نامزد این ایل در مراحل بیشتری صورت نگرفته است را نبود وحدت کافی و تعداد زیاد نامزدهای این ایل و دادن رای به غیر هم طایفه ای اظهار می دارد. در مجموع، با

نگاهی بر آرای اخذ شده‌ی مجلس شورای اسلامی حوزه ممسنی - رستم (از دوره پنجم تا هشتم 1386-1374)، این نکته قابل مشاهده است که در تمامی دوره‌ها به غیر از دوره ی هشتم، کاندیدای اول و دوم هر دوره که بالاترین آرا را نسبت به سایر نامزدها کسب کرده اند، هم طایفه ای مردم رستم بوده اند، البته به نظر می رسد که این مسأله در سایر طوایف ممسنی نیز قابل مشاهده است.

6- ملاک انتصاب پست های مدیریتی در ممسنی: تجربه های تاریخی نشان می دهد که ترقی و تعالی یا سقوط و فروپاشی هر مملکتی، به نقش نخبگان سیاسی وابسته است. محور اصلی بحث های علمای علوم اجتماعی در چهل سال اخیر را گروه نخبه‌ی قدرتمند سیاسی و ساختار عملکردی آن تشکیل می دهد (ارغندی، 1385: 13-17). وضعیت نخبگان ابرزاری (حکومتی) و چگونگی واگذاری پست های مدیریتی به آنها یکی از مسائل مهم در حوزه جامعه شناسی سیاسی هر منطقه محسوب می گردد. هر چند واگذاری مشاغل کلیدی در شهرستان‌ها بطور رسمی و بصورت مستقیم توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی صورت نمی گیرد، اما در یکی دو دهه اخیر با توجه به اختیارات گسترده نظارتی و تقنینی نمایندگان و تاثیری که می توانند در قوه اجرایی کشور داشته باشند، قرائن و شواهد بسیاری وجود دارد که نشان می دهد نمایندگان نفوذ بسزایی در واگذاری پست های مدیریتی و غیر مدیریتی در حوزه های انتخاباتی خود دارند. با برقرار کردن ارتباط بین خاستگاه طایفه ای نماینده و مدیران ارشد چند اداره مهم در ممسنی از دوره چهارم نمایندگی تاکنون می توان دریافت که در دوره چهارم نمایندگی مجلس شورای اسلامی، در زمان نمایندگی رضا قلی اللهیاری که از ایل رستم بوده و شغل ایشان هم معلمی بوده است، از چهار پست مدیریتی در حوزه ی انتخاباتی خود فقط یک پست آن از هم ایلی خود بوده که آن هم آموزش و پرورش بخش رستم (شهرستان جدید رستم) می باشد که معمولا در تمامی دوره ها به علت قرار گرفتن آموزش و پرورش در ایل رستم (بخش رستم) این پست توسط این طایفه تصاحب شده است. به نظر می رسد، طایفه گرایي و تمایل به خویشاوندگرایي در این دوره کم رنگ بوده است. در دوره ی پنجم نمایندگی مجلس شورای اسلامی که آقای فریبرز انصاری (از ایل رستم) نماینده ی وقت بوده است، از شش پست مدیریتی در این شهرستان، فقط سه پست مدیریتی یعنی نیمی از این پست ها در اختیار ایل رستم قرار گرفته است، حال با توجه به دوره قبل، تمایل طایفه گرایي تا حدودی در این دوره

رشد داشته است. در دو دهه ی اخیر (دهه 70 و 80)، شاهد شدت گرفتن طایفه گرایی و رقابت بین طوایف مختلف جهت دستیابی به پست های مدیریتی شهرستان هستیم که نسبت به دهه های قبل، این رقابت شدت بیشتری یافته است. در دوره ششم نمایندگی مجلس شورای اسلامی که مصادف است با نمایندگی آقای ابراهیم امینی از ایل بکش، از هفت پست مدیریتی در این شهرستان، چهار پست از آنها در اختیار هم طایفه ای این نماینده قرار گرفته است، یعنی چیزی بیش از نصف پست ها. در دوره هفتم نمایندگی مجلس شورای اسلامی، که مصادف است با نمایندگی آقای علی احمدی از ایل جاوید، از بین هفت پست حساس این شهرستان، چهار نفر از این افراد از ایل جاوید هستند که تقریباً با دوره ی ششم چندان تفاوتی ندارد و باز هم بیش از نیمی از پست های مدیریتی در تصاحب هم طایفه ای نماینده وقت قرار دارند. در دوره هشتم نمایندگی مجلس شورای اسلامی که آقای عبدالرضا مرادی از ایل بکش، نماینده وقت می باشد، از بین هفت پست مدیریتی در این حوزه انتخاباتی، چهار پست آن در اختیار هم طایفه ای نماینده قرار دارد که تقریباً واگذاری پست های مدیریتی به هم طایفه ای با دوره های ششم و هفتم برابر است.

جداول اعطای پست های مدیریتی در دوره های هفتم و هشتم نمایندگی مجلس شورای اسلامی در ممسنی

جدول 4. پست های مدیریتی در دوره هفتم نمایندگی مجلس شورای اسلامی در ممسنی (نماینده: علی احمدی از ایل جاوید)

ردیف	پست	نام و نام خانوادگی	شغل سابق	ایل
1	فرماندار	عبدالرسول احمدی انصاری	وزارت کشور وزارت کشور	دشمن زباری کازرون
2	بخشدار رستم	غلامعلی باقری	معلم	رستم
3	آموزش و پرورش نورآباد	ایمانی	معلم	جاوید
4	آموزش و پرورش رستم	گودرزی	معلم	رستم

5	دانشگاه پیام نور	رضایی	معلم	جاوید
6	دانشگاه آزاد	احمدی	معلم	جاوید
7	اداره فرهنگ و ارشاد	سیروس ضرغامی	معلم	جاوید
		عزیزاله رضایی	معلم	جاوید

جدول 5. پست های مدیریتی در دوره هشتم نمایندگی مجلس شورای اسلامی در ممسنی (نماینده: عبدالرضا مرادی از ایل بکش)

ردیف	پست	نام و نام خانوادگی	شغل سابق	ایل
1	فرماندار	اله بخش گنجه ای	پاسدار	بکش
2	بخشدار رستم	غلامعلی باقری	معلم	رستم
3	آموزش و پرورش نورآباد	نصیب الله حیاتی	معلم	بکش
4	آموزش و پرورش رستم	خادمی	معلم	رستم
5	دانشگاه پیام نور	سیامک مرادی	معلم	بکش
6	دانشگاه آزاد	ضرغام یوسفی	معلم	بکش
7	اداره فرهنگ و ارشاد	عزیزاله رضایی	معلم	جاوید

نتیجه گیری

1- با توجه به داده های بدست آمده در این پژوهش و درصد بندی این داده ها بر اساس پنج شاخص گروه شغلی، تحصیلات، جنس، سن و ایل، در کل جامعه آماری بیشترین تمایلات طایفه‌ای در بین سایر گروههای هر شاخص بصورت زیر بدست آمد، در گروه شغلی: کشاورزان (56.1٪)، در تحصیلات: افراد زیردیپلم (53.3٪)، در جنس: مردان (47.4٪)، در سن: افراد بین 50-60 سال (72.2٪) و در ایل: ایل جاوید (54.8٪)

2- داده های بدست آمده در این پژوهش پیرامون ارزیابی تعصبات طایفه ای (قبیله ای)؛ نشان می‌دهد که اکثر افراد جامعه آماری با انتخاب گزینه اول، بیشترین تعصبات طایفه ای را نشان داده اند. بر اساس پنج شاخص گروه شغلی، تحصیلات، جنس، سن و ایل، بیشترین تعصبات طایفه ای در بین سایر گروههای هر شاخص بصورت زیر بدست آمد. در گروه شغلی: کشاورزان (49.1٪)، در تحصیلات: افراد زیردیپلم (48.9٪)، در جنس: مردان (41.3٪)، در سن: افراد بین 60-70 سال (100٪) و در ایل: ایل جاوید (45.2٪). با برقراری ارتباط بین تعصبات طایفه ای و انتخابات مجلس و با نگاهی بر آرای اخذ شده در ادوار مختلف مجلس شورای اسلامی در منطقه ممسنی (از دوره پنجم تا هشتم (1374-1386))، و با توجه به اینکه ایل رستم بزرگترین ایل منطقه بوده و بیشترین جمعیت را نیز در منطقه دارا می‌باشد، این نکته قابل مشاهده است که در تمامی دوره‌ها به غیر از دوره هفتم، نامزدهای اول و دوم هر دوره که بالاترین آرا را نسبت به سایر نامزدها کسب کرده اند، هم طایفه ای مردم رستم بوده‌اند. نتایج کسب شده نشان از دخالت بالای تعصبات طایفه ای در انتخاب رای دهندگان در انتخابات دارد.

3 - داده های بدست آمده در این پژوهش نشان می‌دهد که طایفه گرایی در واگذاری پستهای مدیریتی در زمان نماینده دوره چهارم (آقای اللهیاری) کم رنگ بوده است ولی در دوره پنجم (آقای انصاری) این مساله پررنگ تر شده است. در دوره ششم (آقای امینی) تقسیم بندی پست ها بر اساس طایفه گرایی شدت گرفته و در دوره هفتم (آقای احمدی) این شدت همچنان ثابت مانده است. در دوره هشتم (آقای مرادی) نیز به همان مقدار دوره های ششم و هفتم، شاخص تمایلات طایفه ای در نحوه اعطای پست های کلیدی موثر بوده است. از داده های فوق می‌توان نتیجه گرفت که در دو دهه اخیر (دهه 70 و 80)، با توجه به روند افزایشی همسویی خاستگاه طایفه ای نماینده و افرادی که پستهای کلیدی دولتی را در هر دوره به دست گرفته اند، طایفه گرایی در واگذاری پستها افزایش داشته و در نتیجه در رقابتهای انتخاباتی نیز افزایش چشمگیری داشته است.

4 - داده های بدست آمده در این پژوهش نشان می‌دهد که با افزایش تمایلات طایفه ای و خویشاوندی تمایل به درگیری های انتخاباتی (رقابت ناسالم سیاسی) نیز افزایش یافته است.

هرچند (23٪) از افراد جامعه آماری بیشترین تمایل نسبت به روش های مسالمت آمیز در رقابت های انتخاباتی را نشان داده اند اما (21٪) از آنها نیز بیشترین تمایل به درگیری های فیزیکی در رقابت های انتخاباتی را نشان داده اند. اکثریت افراد جامعه آماری گزینه پنجم (تمایل خیلی کم به روش تنش زا) را انتخاب کرده اند و بیشترین درصد انتخاب کنندگان گزینه پنجم بر اساس پنج شاخص گروه شغلی، تحصیلات، جنس، سن و ایل، در بین سایر گروههای یک شاخص نیز متفاوت بوده است. در گروه شغلی: کارمندان (30٪)، در تحصیلات: افراد فوق لیسانس (31.6٪)، در جنس: مردان (23.1٪)، در سن: افراد بین 30-40 سال (36٪) و در ایل: ایل رستم (33.7٪). آمار بدست آمده حاکی از آن است که هرچند درصد بیشترین تمایل به روشهای مسالمت آمیز و روشهای فخرآمیز (تنش زا) در بین مردم منطقه به هم نزدیک است، اما با افزودن درصد اکثریت انتخاب کننده گزینه پنجم و قبل از آن به بیست و یک درصدی که تمایل به استفاده از روشهای تنش زا داشته اند می توان نتیجه گرفت که افزایش تمایلات طایفه ای پتانسیل منازعه را افزایش داده و موجب افزایش تمایل به استفاده از روشهای تنش زا در انتخابات شده و سلامت رقابتهای انتخاباتی را به خطر انداخته است.

5- داده های بدست آمده در این پژوهش نشان می دهد که هرچند تمایلات طایفه ای و خویشاوندی در منطقه و بویژه در انتخابات مجلس شورای اسلامی روندی افزایشی داشته است، اما اکثر افراد کل جامعه آماری با انتخاب گزینه اول تمایلات طایفه ای و خویشاوندی را مانع توسعه سیاسی دانسته اند. بیشترین درصد در مانع توسعه سیاسی دانستن طایفه گرایی بر اساس پنج شاخص گروه شغلی، تحصیلات، جنس، سن و ایل، در بین سایر گروههای یک شاخص نیز متفاوت بوده است. در گروه شغلی: اساتید (75٪)، در تحصیلات: افراد فوق لیسانس (57.9٪)، در جنس: مردان (52.8٪)، در سن: افراد بین 50-60 سال (66.7٪) و در ایل: ایل دشمن زیاری (83.8٪). با توجه به آمار بدست آمده و درک مردم منطقه از توسعه سیاسی و پیشبرد آن، می توان امیدوار بود که با افزایش سطح آگاهی های سیاسی تمایلات طایفه ای در منطقه وارد روند کاهشی شده و سلامت رقابتهای انتخاباتی افزایش یابد.

منابع

- ماتیل، الکساندر. (1384)، «دایره المعارف ناسیونالیسم، ترجمه کامران فانی - محبوبه مهاجر»، تهران، کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه، چاپ دوم، جلد اول.
- احمدی، حمید. (1378)، «قومیت و قوم‌گرایی در ایران (افسانه و واقعیت)»، تهران، نشر نی، چاپ هفتم.
- آبراهامیان، یرواند. (1387)، «ایران بین دو انقلاب (درآمدی بر جامعه‌شناسی معاصر ایران)»، تهران، نشر نی، چاپ سیزدهم.
- ازغندی، علیرضا. (1387)، «تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران»، تهران، سمت، چاپ پنجم.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی. (1376)، «ایران و تنها هی اش»، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- عباسیان، علی اکبر. (1387)، «فرهنگ سیاسی در امثال و حکم فارسی (مؤلفه های فرهنگ سیاسی ایران در آینه ی امثال و حکم فارسی)»، تهران، نشر اختران.
- پاملاآبوت و کلروالاس. (1385)، «فرهنگ واژه ها و اصطلاحات، جامعه‌شناسی زنان»، ترجمه منیژه نجم عراقی، چاپ چهارم، تهران، نشر نی.
- بشیریه، حسین. (1383)، «عقل در سیاست: سی گفتار در فلسفه، جامعه‌شناسی و توسعه سیاسی»، (مجموعه دانش سیاسی) چاپ اول نگاه معاصر، تهران.
- ازغندی، علیرضا. (1385)، «نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب»، چاپ سوم، تهران.
- www.sociologyofiran.com